



چالش‌های معلمان برای آموزش مجازی در دوران پاندمی کرونا: یک مطالعه پدیدارشناسی

محسن سلیمانی *

عباس قنبری باغستان **

چکیده

شیوع ویروس کرونا باعث تعطیلی آموزش حضوری و روی آوردن اجباری سیستم آموزشی کشور به آموزش مجازی شده است. پس از دو سال که رفته رفته آموزش مجازی پایان پذیرفته و آموزش حضوری برقرار شده، لازم است چالش‌ها و مشکلات آموزش مجازی از دیدگاه معلمان به عنوان رکن اصلی آموزش مطالعه شود. این پژوهش با هدف مطالعه چالش‌های آموزش مجازی و ارزیابی معلمان از این سبک آموزش صورت گرفته است. این مطالعه در چارچوب رویکرد کیفی و با روش پدیدارشناسی انجام شده است که در آن داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه ساخت یافته گردآوری شده است. مصاحبه شونده‌گان ۱۲ نفر از معلمان مقطع ابتدایی شهر تهران بودند که از طریق نمونه گیری هدفمند ملاکی انتخاب شدند و مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرد. تحلیل داده‌ها با روش هفت مرحله ای کلازنی انجام پذیرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که ادراک معلمان از چالش‌های آموزش مجازی، شامل ۴ مضمون اصلی و ۱۹ مضمون فرعی است که مضمون‌های اصلی شامل چالش‌های مادی و تکنولوژیکی (مشکل سرعت اینترنت، اختلال اینترنت، کمبود و سایل ارتباطی، ضعف سیستم احراز هویت، مشکلات سامانه شاد، لزوم وجود مکمل حضوری برای آموزش مجازی، ضعف مالی خانواده‌ها) چالش‌های حکمرانی آموزش (بخشنامه‌های سردرگم کننده، ایرادات ترکیب آموزش حضوری و مجازی، سیاست گذاری نمایشی و ضعف بازرسی اداره‌ها) چالش‌های ارکان نهان آموزش (کمبود سواد مدیر و معاونین مدارس، ضعف در آموزش خانواده‌ها، ضعف دانش آموزان در روش یادگیری و اختلال در بعد پرورشی) و چالش‌های سیستم تربیت معلم (ضعف شدید سیستم ضمن خدمت، ضعف در استفاده از تکنولوژی‌های آموزشی، بهره نگرتن از روش‌های نوین تدریس و عدم آموزش سبک زندگی متناسب آموزش مجازی به معلم) میباشد.

واژگان کلیدی

آموزش مجازی، پاندمی کرونا، مطالعه پدیدارشناسی

* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران

** عضو هیئت علمی گروه علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران،

نویسنده مسؤول یا طرف مکاتبه: محسن سلیمانی Soleymani.mohsen@ut.ac.ir

مقدمه

در دسامبر سال ۲۰۱۹ دانشمندان در شهر ووهان چین ویروس جدیدی را شناسایی کردند که پس از چند ماه توانست تمام دنیا را تحت تاثیر قرار دهد. بیماری کووید ۱۹ یک آلودگی همراه با علائم تنفسی است که تصور می‌شود یک ویروس قابل انتقال بین انسان و حیوان باشد و امکان بیماری زایی در میان انسان‌ها را فراهم کند (Ghotbi et al., 2020). پاندمی ویروس کرونا سیستم های آموزشی را نیز تحت تاثیر قرار داد و منجر به تعطیلی نزدیک به کل مدارس در سراسر جهان شد. پس از تعطیلی و مختل شدن سیستم آموزش حضوری و سبک های آموزش کلاسیک، یکی از تدابیری که با توجه به لزوم شکسته شدن زنجیره انتقال ویروس و رعایت فاصله گذاری اجتماعی در پیش گرفته شد، به کارگیری آموزش مجازی به جای آموزش حضوری بود. در همین راستا نظام آموزشی ایران نیز به آموزش مجازی روی آورد زیرا ادامه دادن آموزش فقط با استفاده از ابزارهای ارتباطی از راه دور امکان پذیر بود و معلمان مجبور شدند به تدریس آنلاین روی آورند و سبک های تدریس خود را متناسب با این فضا کنند (Huber & Helm, 2020). آموزش الکترونیکی، کاربرد فن آوری وب، شبکه و سایر ابزارهای الکترونیکی به منظور تدریس و خلق تجربیات یادگیری مفید و موثر است (Gadam pour et al., 2014).

تا پیش از پاندمی کرونا، تحقیقات کمی درباره آموزش مجازی و چالش های احتمالی آن انجام شده است که از جمله آن ها می توان به پژوهش جباری و همکاران اشاره کرد که در آن نتیجه گیری کرده اند آموزش الکترونیکی و مجازی نسبت به روش سنتی، مهارت های زبان انگلیسی دانش آموزان را بیشتر افزایش می دهد (Jabbari et al., 2017). همچنین آینلی و آرماتاس اذعان کرده اند محیط های یادگیری مجازی دارای ظرفیت ایجاد فرصت هایی برای تجارب فعال و افزایش یادگیری فردی هستند (Ainley & Armatas, 2006). در پژوهشی دیگر مالمیر و همکاران نشان داده اند که استفاده از رسانه های آموزشی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تاثیر گذار است، البته موفقیت در این شیوه فقط به محتوای آموزش مجازی بستگی ندارد و به شرایط دیگری مانند خود معلمان و شیوه تدریس آنها نیز وابسته است (Malmir et al., 2018).

در کشور ایران با اعلام تعطیلی مدارس، در ابتدا معلمان بر اساس دانسته ها و مهارت های شخصی خود شروع به تولید محتوا و رساندن آن به دانش آموزان در بستر فضای مجازی کردند تا اینکه وزارت آموزش و پرورش، شبکه آموزش رسانه ملی را در اختیار تولید محتوای جایگزین مدرسه

قرار داد و پس از آن شبکه اجتماعی « شاد » را در فضای مجازی ایجاد کرد تا از طریق آن معلمان بتوانند به صورت سازماندهی شده با دانش آموزان در ارتباط باشند (Sargazi et al., 2020). اما در این میان چالش‌های بسیاری بر سر راه آموزش مجازی قرار گرفت که به فراخور اهمیت این موضوع تحقیقاتی نیز با هدف احصای این مشکلات و چالش‌ها انجام شده است.

جمال حاجی و همکاران (Haji et al., 2021) در مقاله‌ای با عنوان بازنمایی مشکلات آموزش در فضای مجازی با استفاده از برنامه شاد در دوره پاندمی کرونا که با رویکرد کیفی انجام شده است، ادراک معلمان از چالش‌های آموزش در برنامه شاد را ذیل ۶ مضمون کلی مشکلات مربوط به دانش آموزان و والدین (انگیزه کم دانش آموزان و وابستگی آنها به فضای مجازی و عدم همکاری مناسب والدین) و مشکلات مربوط به معلمان (روش‌های تدریس کلیشه‌ای و عدم همفکری بین معلمان) و مشکلات محتوایی (ناهماهنگی بین کتب قدیمی و فضای آموزشی جدید و سختی‌های تولید محتوا) و مشکلات تجهیزات (نبود اینترنت با سرعت مناسب و مشکلات زیرساختی شاد و دسترسی نداشتن همگان به شاد) و مشکلات سازمانی (دوره‌های ضمن خدمت ناکارآمد و نظارت اشتباه) و مشکلات ارزشیابی (نبود نظارت دقیق و عدم وجود بازخورد مناسب و چهره به چهره) طبقه‌بندی کرده است (Haji et al., 2021).

عباسی و همکاران (Abbasi et al., 2020) در مقاله‌ای با عنوان تجارب زیسته معلمان ابتدایی از فرصت‌ها و چالش‌های تدریس در برنامه شاد اینگونه نتیجه‌گیری کردند که برنامه شاد فرصت‌های مانند: افزایش سرعت ارائه اطلاعات، مسئولیت‌پذیری بیشتر برای معلمان، ایجاد انگیزه را به همراه داشته است. همچنین عواملی مانند کند بودن سرعت اینترنت، کاهش انگیزه دانش آموزان، دشوار بودن سنجش واقعی یادگیری و عدم دسترسی برابر همه به تکنولوژی به عنوان چالش‌ها معرفی شده است. محمدی و همکاران (Mohammadi et al., 2020) در پژوهش خود به بررسی تجارب زیسته والدین در مواجهه با آموزش مجازی پرداختند. آن‌ها محاسن و معایب آموزش مجازی را در پنج مضمون آموزشی (حسن: تداوم تحصیل و ایجاد خلاقیت، عیب: کاهش پایبندی به مقررات کلاس) و اجتماعی (حسن: آزادی عمل دانش آموزان و نظارت والدین، عیب: حذف فعالیت گروهی) و فرهنگی (حسن: تجربه جدید آموزش مجازی، عیب: حذف کارزمای معلم) و اقتصادی (حسن: کاهش هزینه حمل و نقل، عیب: وقت‌گذاری کم برخی والدین) و فنی (حسن: ارتقای سواد رسانه‌ای والدین، عیب: عدم تسلط به تکنولوژی‌های نوین) طبقه‌بندی

کردند. سرگزی و همکاران (Sargazi et al., 2020) در مطالعه ای به عنوان کرونا و چالش های آموزش مجازی در ایران به این نتیجه رسیدند که این بحران میتواند به عنوان یک فرصت برای رفع مشکلات زیرساختی آموزش مجازی در ایران در نظر گرفته شود.

فائوزی و همکاران (Fauzi et al., 2020) در مطالعه ای به عنوان معلمان ابتدایی و یادگیری مجازی در کرونا به این نتیجه رسیدند که معلمان با چالش هایی از جمله امکانات کم و ضعف اینترنت مواجه هستند. راسمیتادیل و همکاران (Rasmitadil et al., 2020) در پژوهشی با عنوان درک معلمان از تدریس آنلاین به این نتیجه رسیدند که در صورت همکاری همه طرف های آموزش میتوان نقاط ضعف آموزش آنلاین را به فرصت تبدیل کرد.

با توجه به کاهش تعداد مبتلایان و ویروس کرونا و بازگشایی مجدد مدارس و بازگشت سیستم آموزش حضوری لازم است تجربه معلمان، به عنوان یکی از ارکان اصلی آموزش مجازی، با هدف احصاء چالش های آموزش مجازی و نقاط ضعف آن، مورد مطالعه واقع شود تا بتوان نقاط ضعف آن را برای افزایش بازدهی نظام آموزشی در آینده، از جمله در شرایط تعطیلی مجدد آموزش حضوری (به دلایل مختلفی از جمله آلودگی هوا یا حوادث غیرمترقبه) بهبود بخشید. اهمیت مسأله آموزش مجازی برای شهر تهران حتی در دوران پسا کرونا، با توجه به تعطیلی های پرتکرار در طول سال تحصیلی به دلایل مختلف از جمله آلودگی هوا بسیار پررنگ میباشد. همچنین با توجه به جایگاه خطیر آموزش در پایه ابتدایی این اهمیت برای مقطع ابتدایی در شهر تهران دو چندان میباشد. در همین راستا، پژوهش حاضر به منظور احصای چالش های آموزش مجازی از طریق مطالعه تجربه ۱۲ نفر از معلمان ابتدایی شهر تهران در آموزش مجازی انجام شده است.

روش

پژوهش حاضر با توجه به هدف اصلی پژوهش، مطالعه کیفی بر اساس رویکرد پدیدارشناسی است. پدیدارشناسی سعی دارد به توصیف ذات تجربیات پردازد، چنین پژوهشی به دنبال روشن کردن ماهیت ساختارها به صورتی که در آگاهی ظاهر شده اند، می باشد (Fischer, 2005). با توجه به سوال پژوهش، این مطالعه سعی در واکاوی چالش های معلمان برای آموزش در فضای مجازی دارد که به جهت تاکید بر تجربه های دست اول از رویکرد پدیدارشناسی استفاده شده

است. برای گردآوری داده‌ها در تحقیق حاضر، جهت مطالعه تجربه زیسته معلمان، از ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شده است.

مشارکت کنندگان پژوهش حاضر، معلمان مقطع ابتدایی مدارس شهر تهران هستند و برای انتخاب آنها از رویکرد هدفمند ملاکی استفاده شد. ملاک حضور در نمونه پژوهش، سابقه دو سال تدریس مجازی در دوران کرونا و حداقل دو سال تدریس حضوری قبل از دوران کرونا در نظر گرفته شد. در این مطالعه پس از انجام مصاحبه با ۱۲ نفر از شاخه نظری حاصل شد. پنج مورد از مصاحبه‌ها با هماهنگی وقت قبلی با مشارکت کنندگان در منزل آنان و در محیطی آرام به صورت حضوری انجام شد و هفت مورد از مصاحبه‌ها صورت تماس تصویری انجام شد. هر مصاحبه حدود ۲۰ الی ۳۰ دقیقه طول کشید و در پایان مصاحبه پروتکل رضایت به سمع و نظر مصاحبه شونده رسید و مورد تایید قرار گرفت. لازم به ذکر است با توجه به شیوع ویروس کرونا تمام دستورالعمل‌های بهداشتی از دو طرف در طول مصاحبه رعایت شد. قبل از انجام مصاحبه، توضیحات مربوطه و اطلاعات لازم در خصوص مصاحبه و هدف پژوهش به مصاحبه شونده ارائه شد و بعد از انجام مصاحبه پاسخ‌های آنها پیاده سازی شد و پس از بازبینی در سه مرحله به تایید مشارکت کنندگان رسید. همچنین ملاحظات اخلاقی با ارائه توضیحات لازم در مورد هدف پژوهش و عدم اجبار در پاسخ و عدم دریافت مشخصات فردی و محرمانه ماندن هویت آنها و استفاده از نتایج پژوهش صرفاً در جهت ارتقا و بهبود کیفیت آموزش رعایت شد.

جدول ۱: مشخصات کلی شرکت کنندگان

شرکت کننده	سن	جنسیت	تحصیلات	پایه تدریس	سابقه تدریس
۱	۴۷	زن	لیسانس	اول	۲۵
۲	۵۰	زن	فوق لیسانس	دوم	۱۵
۳	۳۰	مرد	لیسانس	دوم	۸
۴	۲۶	مرد	لیسانس	دوم	۴
۵	۳۲	مرد	فوق لیسانس	اول	۱۲
۶	۳۲	زن	فوق لیسانس	سوم	۷
۷	۲۶	زن	لیسانس	پنجم	۵

۸	۴۱	مرد	لیسانس	اول	۱۶
۹	۳۵	مرد	لیسانس	چهارم	۱۰
۱۰	۳۰	زن	لیسانس	چهارم	۸
۱۱	۲۶	زن	لیسانس	سوم	۴
۱۲	۳۴	زن	لیسانس	اول	۱۰

در این پژوهش داده‌ها با استفاده از راهبرد کلایزی تحلیل شده است. بدین صورت که ابتدا متن هر مصاحبه به عنوان یک کل مورد توجه قرار گرفت و جملات کلیدی آن مشخص گردید و پس از استخراج این جملات، مفهوم‌سازی و مرتب کردن جملات و مفاهیم در دسته‌های خاص انجام شد و مرتبط بودن آن‌ها با جملات اصلی مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت به مضامین اصلی و زیرمضمون‌ها طبقه‌بندی شد. پس از ارزیابی و مطالعه محتوای مصاحبه‌ها و در راستای دستیابی به هدف پژوهش، پژوهشگران از طریق تحلیل کلایزی تمامی داده‌ها، به ۴ مضمون اصلی و ۱۹ مضمون فرعی دست یافتند.

به منظور تایید روایی از معیارهای اعتبار و تایید پذیری استفاده شد. برای اطمینان از اعتبار داده‌ها، یافته‌های پژوهش در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و آنها هماهنگی یافته‌ها با اظهارات خود را تصدیق کردند. همچنین فرایند گذاری توسط پژوهشگر دیگری نیز به صورت جداگانه انجام شد که نزدیکی یافته‌های حاصل، نشان از اعتماد بالای یافته‌ها بود. همچنین از تکنیک مرور چندباره پژوهشگر نیز استفاده شد.

یافته‌ها

مرور منظم مصاحبه‌ها و تحلیل عمیق تجربه معلمان از چالش‌های تدریس مجازی منجر به شناسایی ۴ مضمون اصلی و ۱۹ مضمون فرعی شد. مضامین اصلی شامل چالش‌های مادی و تکنولوژیکی و چالش‌های حکمرانی آموزش و چالش‌های ارکان نهان آموزش و چالش‌های سیستم تربیت معلم می‌باشد. هر کدام از این مضامین خود دارای مضامین فرعی هستند که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. مضمون‌های اصلی و فرعی استخراج شده

مضمون اصلی	مضامین فرعی
چالش‌های مادی و تکنولوژیکی	مشکلات سرعت اینترنت
	اختلال اینترنت
	کمبود وسایل ارتباطی (موبایل و تبلت)
	ضعف سیستم احراز هویت
	مشکلات سامانه شاد
چالش‌های حکمرانی آموزش	لزوم وجود مکمل حضوری برای آموزش مجازی
	ضعف مالی خانواده‌ها
	بخشنامه‌های سردرگم‌کننده
	ایرادات ترکیب آموزش حضوری و مجازی
چالش‌های ارکان نهان آموزش	سیاست‌گذاری نمایشی
	ضعف بازرسی اداره‌ها
	کمبود سواد مدیر و معاونین مدارس
	ضعف در آموزش به خانواده‌ها
چالش‌های سیستم تربیت معلم	ضعف دانش آموزان در روش یادگیری
	اختلال در بعد پرورشی
	ضعف شدید سیستم ضمن خدمت
	ضعف در استفاده از تکنولوژی‌های آموزشی
	بهره‌نگرفتن از روش‌های نوین تدریس
	عدم آموزش سبک زندگی متناسب آموزش مجازی به معلم

الف) چالش‌های مادی و تکنولوژیکی

هرچند آموزش یک مسئله اصالتاً فرهنگی است اما توجه نکردن به اقتضائات مادی آن مانند امکانات و زیرساخت‌ها، تقلیل مسئله به یک بعد است و باعث سوء برداشت میشود.

۱- مشکلات سرعت اینترنت: یکی از مهمترین مسائل زیرساختی که از الزامات ابتدایی آموزش مجازی است سرعت اینترنت خوب و متعادل است که بتواند کلاس های آنلاین را پوشش دهد و صوت و تصویر معلم و دانش آموز را به یکدیگر منتقل کند و این مشکل را در اکثر نقاط کشور می توان مشاهده کرد تا جایی که مصاحبه شونده شماره ۶ که در مناطق حاشیه شهر تهران تدریس می کند در این خصوص گفته است: «...} بعد اینترنت ضعیف بود تو کلاسای درس بچه ها اینترنت قوی نداشتن یه سری اصلا کلا دستگانه نداشتند». مساله ضعف سرعت اینترنت، مشکلی بود که ۸ نفر از مصاحبه شوندگان به آن پرداخته بودند.

۲- اختلال اینترنت: مصاحبه شونده شماره ۱ با حالت ناراحتی و استیصال که از لحن صحبت و چهره اش نمایان بود گفت: «اما معایبی هم داشت عیب اول اینکه همه اینترنت ها پرسرعت نبود خصوصا در منطقه ما و هی قطع و وصل میشد».

۳- کمبود وسایل ارتباطی (موبایل و تبلت): یکی دیگر از ملزومات بسیار اساسی آموزش مجازی داشتن دستگاه هوشمندی برای شرکت در کلاس ها و ارسال تکالیف از طرف دانش آموز و انتقال محتوا از طرف معلم است که می تواند موبایل یا تبلت یا سیستم های کامپیوتری باشد. بسیاری از خانواده ها خصوصاً در مقطع ابتدایی تا پیش از مجازی شدن آموزش چنین وسیله هوشمندی برای فرزند خود تدارک ندیده بودند که در دوران کرونا این نیاز با شدت بسیار بروز پیدا کرد و معضل بسیاری از خانواده ها و کلاس های درس شد. در همین خصوص مصاحبه شونده ۸ میگوید: «همه بچه ها امکانات کافی نداشتند مثلاً هر بچه ای گوشی اختصاصی و تبلت اختصاصی نداشت».

۴- ضعف سیستم احراز هویت: این مسئله برای مصاحبه شونده شماره ۲ از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است تا جایی که به عنوان اولین مبحث شروع مصاحبه به آن اشاره کرد و از لحن صحبت و حالت چهره معلوم بود که از این مسئله ناراحت و تا حدودی عصبانی است و آن را یکی از اصلی ترین دلایل بی سواد ماندن بچه ها در دوران آموزش مجازی می دانست و در این خصوص گفت: «آموزش مجازی خوب نیست خیلی وقتاً اولیا به جای بچه ها می شینن کارا رو انجام میدن دیگه معلوم نیست که کی پای دستگانه نشسته داره کار انجام میده به خاطر همین نمره نمره ی خود

بچه نیست. (با حالت بی تفاوتی که میتونه ناشی از اذیت های آموزش مجازی باشه) معلوم نیست نمره‌ی خود طرفه. داره کار می‌کنه یا نه.»

۵- مشکلات سامانه شاد: سامانه شاد که در میانه راه آموزش مجازی به عنوان بستر اصلی ارتباط دانش آموز و معلم و محل برگزاری کلاس ها در اختیار آموزش مجازی قرار گرفت از نظر معلمان دارای مشکلات بسیاری بوده است. مصاحبه شونده شماره ۱۰ در این باره اینطور می‌گوید که: «یعنی ما به دفعه‌ای وارد یه سیستمی شدیم که اصلا نمیدونستیم چی هست چه جوری باید باهاش کار کنیم چه کار کنیم چه کار نکنیم شاهدیم که روزای اول اصلا شاید کلی وقتا قطع بود مثلا بچه می‌شست پای کلاس درس به دفعه قطع می‌شد دیگه بچه رو نمیشد آورد سر کلاس حوصله همه سر رفته بود و این خیلی بد بود. حالا معلم میپرسید چرا رفتی؟ بعد از کجا بچه رو پیدا کنه که برگرده پای گوشه دو مرتبه بخواد چیز کن درست جواب بده.»

۶- لزوم وجود مکمل حضوری برای آموزش مجازی: مصاحبه شونده شماره ۵ در این خصوص گفت: «زمانی که من درس می‌دادم میدیدم بچه های اون منطقه چه بلایی سرشون اومد توی مجازی چیزی یاد نگرفتن هیچی واقعا یاد نگرفتن چجوری میشه یاد بگیری اون جوری که باید یکی بالا سرشون باشه یعنی یه نفر که درس رو بلد باشه بالای سرشون باشه و مشکلسون رو حل کنه که توی اون منطقه عملا همچین چیزی ممکن نیست.»

۷- ضعف مالی خانواده ها: در مسئله مشکلات مادی و زیرساخت مضمون فرعی ضعف مالی خانواده ها از جهت دیگری به موضوع می‌پردازد و آن توان کم مالی خانواده ها برای تهیه دستگاه هوشمند مانند موبایل و تبلت برای استفاده فرزندان از آموزش مجازی است و شدت این مسئله در مناطق حاشیه شهر تهران زیاد بوده است تا جایی که شرکت کننده شماره ۹ با بغض و تأثر در این خصوص گفت: «همه بچه ها امکانات کافی نداشتند مثلا هر بچه ای گوشه اختصاصی و تبلت اختصاصی نداشت. می‌گیم گوشه بخرید می‌گم امکانش نیست برامون که گوشه بخریم.»

ب) چالش‌های حکمرانی آموزش

نهاد آموزش در ایران از نظر مصاحبه‌شوندگان توسعه نیافته و بسیار ضعیف است البته نهاد آموزش را باید فراتر از وزارتخانه آموزش و پرورش دانست و آموزش دادن درباره هر مسئله‌ای را میتوان ذیل نهاد آموزش قرار داد البته یکی از مصاحبه‌شوندگان نهاد آموزش را در معنای کلان خود را مورد بررسی قرار داد اما بقیه مصاحبه‌شوندگان نهاد آموزش را در معنای سیستم مدیریتی وزارت آموزش و پرورش معنی کرده‌اند و آن را دارای نقاط ضعف بسیار و نداشتن یک استراتژی کلی و نگاهی بلندمدت دانسته‌اند که بیش از فکر کردن به نتایج عملی تصمیمات به خاصیت نمایشی آنها در افکار عمومی توجه دارند.

۱- بخشنامه‌های سردرگم‌کننده: مصاحبه‌شونده شماره ۷ در این خصوص گفت: «به مشکل دیگه هم اینکه آموزش پرورش ما تعیین تکلیف نکرد. یعنی آموزش و پرورش تعیین نکرد که مثلاً شش ماه فقط مجازی است اما اینکه دلهره بدیم که از ماه بعد حضوری است یا هرچیزی دیگه باعث بی‌نظمی و دلهره شد.»

۲- مشکلات ترکیبی شدن آموزش حضوری و مجازی: در این خصوص مصاحبه‌شونده شماره ۱ با حالت نارضایتی از بی‌کفایتی سیستم مدیریتی گفت: «به نکته دیگه هم اینکه البته این مال مناطق پایین و سطح‌های پایین بود و اون بحث امکانات پایین بود. چون بین مثلاً من دانش آموز داشتم یه دونه گوشی دستشون بود با کیفیت پایین سه تا بچه بودن بعد حتی این رو نیومده بودن هماهنگ کنن که تدریس‌ها طوری باشه که مثلاً سه تا بچه به ساعت آنلاین نباشن میدونی چجوری میگم بعد تازه بدتر هم شد این بود خود معلم‌ها هماهنگ میکردن. اون موقعی بدتر شد که گفتن نیمه حضوری نیمه مجازی باشه. اون موقع اینطوری شد که بخشنامه دادن سر یه ساعت خاص صبح همه معلم‌های ابتدایی حضوری باشند سر یه ساعت دیگه همه آنلاین باشن سر کلاس خود من یازده نفر همزمان سر یه ساعت خاص آنلاین بودن در صورتی که خواهر برادر این‌ها هم باید همون ساعت با همون گوشی آنلاین میبودن. این میشه که نتیجه اش میشه یازده نفر افت تحصیلی.»

۳- سیاست‌گذاری نمایشی: یکی از مسائل مهمی که شرکت‌کننده شماره ۱۱ به آن اشاره کرد بحث سیاست‌گذاری نمایشی در بدنه مدیریتی وزارتخانه آموزش و پرورش بود این نظر را داشت

که بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها و تغییرات سریع چه در وضعیت آموزش در دوران کرونا انجام گرفته است نه به دلیل تصمیم‌گیری با پشتوانه برنامه ریزی بوده است بلکه حاصل تمایل مدیران به در معرض دید قرار دادن تصمیمات خود در افکار عمومی بوده است او در این خصوص گفت: «همین باز شدن الان مدارس بدون فکر و برنامه ریزی است قطعاً بدون فکر و برنامه ریزی. آنگه فکر و برنامه ریزی داشتن مثلاً بین پرروز تلویزیون نشون میده که مثلاً مدرسه رو دارم سم پاشی میکنم کولرهای مدرسه رو دارن درست میکنن تهویه کلاس رو دارن درست میکنن چند تا مدرسه ما الان اینطوریه بعد میان پشت تلویزیون میگن نود و دو درصد مدارس ما آمادگی داره در صورتی که دو درصد مدارس ما آمادگی دارن نود و هشت درصد مدارس ما آمادگی چنین کاری رو ندارن مثلاً این مشکلات هستش. امکانات نیست معلوم هم نیست مسیولین روی چه هدفی میرن چهارتا مدرسه گلچین رو میبینن نشون میدن بعد توقع اولیا رو میبرن بالا در صورتی که هیچ امکاناتی توی مدارس دیگه نمیدن».

۴- ضعف بازرسی اداره‌ها: هر منطقه در سیستم مدیریتی آموزش و پرورش تحت فرمان یک اداره است و این اداره‌ها دارای نهاد بازرسی هستند که وظیفه رسد مدارس و به طور خاص معلمان را دارند تا استاندارد آموزش رعایت شود از نظر مصاحبه شونده شماره ۳ بازرسی‌ها در سال‌های اخیر و به طور خاص از ابتدای دهه ۹۰ بسیار ضعیف شده است و به تبع آن وضعیت تدریس معلمان نیز با افت کیفیت مواجه شده است او در این خصوص گفت: «توسط اداره رسد می‌شد. اداره می‌ومد توی کلاس از بچه‌ها سوال می‌پر سیدن کاملاً معلم رسد میشد آنگه این رسد رو انجام میدادن این آفتی که الان هست رو نداشتیم چون معلم مجبور بود کار بکنه، چاره‌ای نداشت جز کار ارایه دادن».

ج) چالش‌های ارکان نهان آموزش

در مسئله آموزش مجازی ذی‌نفعان مختلفی درگیر هستند که لازم است همه آنها مورد بررسی قرار بگیرد زیرا غفلت از هر یک از این طرف‌ها باعث اشتباه در نتیجه‌گیری خواهد شد. طرف‌های درگیر شامل دانش‌آموزان و معلمان و خانواده‌های دانش‌آموزان و کادر آموزشی مدارس و ادارات آموزش و پرورش و سیستم مدیریتی وزارت خانه آموزش و پرورش است. تمام این ذی

نفعان درگیر در آموزش مجازی باید نسبت به وظایف خود و نحوه ارتباط با یکدیگر توجه شوند تا بتوانند در جهت افزایش بازده آموزش مجازی حرکت کنند.

۱- ضعف دانش مدیر و معاونین مدارس: در مرحله بعد از بازرسی ادارات مدیر و معاونین مدرسه نیز وظیفه دارند در کلاس های درس و معلم آن نظارت کند اما از نظر مصاحبه شونده شماره ۱۲ مدیر و معاونین مدارس سواد این بازرسی را ندارند و این یکی از نقاط ضعف ساختار مدرسه است. او گفت: «به مسئله دیگه اینکه توی آموزش مجازی معلم ها کاملا رها شدن معلم فقط خودش بود و وجدانش اما بهتر بود که معلم رصد میشد نه توسط مدیر و معاون. مثلا توی مدرسه ما معاون من نمی‌دونست من برای آموزش فیلم دارم و فکر میکرد تدریس من خشکه نمی‌دونست من دارم چیکار میکنم».

۲- ضعف در آموزش به خانواده ها: مصاحبه شونده شماره ۲ در این خصوص می‌گوید: «هر اتفاقی افتاد ایده و اختراع خود معلم ها بود و افتی که ایجاد شد پنجاه پنجاه درصد از طرف معلم پنجاه درصد از طرف خانواده ها».

۳- لزوم آموزش روش یادگیری به دانش آموزان: مصاحبه شونده شماره ۳ به خوبی به این مورد اشاره می‌کند: «یه چیزی که واقعا یه حلقه‌ی گمشده است به نظرم باید اتفاق بیفته اصلا روش یادگیری به بچه‌ها یاد بدن توی دانشگاه های خیلی خوب قبل از اینکه دانشجویان ورود بکنه به دانشگاه چندتا چیز معمولا بهشون یاد میدن یکیش همین روش یادگیری اصلا مدل یادگیری. اصلا طرف بدون چجوری باید یاد بگیره خودش حالا بحث جالبی داره. اصل کار و ثقل کار با دانش آموز میشه توی آموزش مجازی».

۴- اختلال در بعد پرورشی: مصاحبه شونده شماره ۵ به اختلال در بعد پرورشی در دوران آموزش مجازی اشاره کرد و از نظر او رشد اجتماعی و اخلاقی و تربیتی دانش آموزان یکی از نقاط مغفول مانده و توجه نشده در آموزش مجازی بوده است که طرف‌های درگیر به اهمیت آن پی نبردند. او در این راستا گفت: «اساسا این که اگه به صورت مستمر باشه تقریبا طرف رواز بعد اجتماعی گروهی و روحی روانی عقب میندازه یعنی ما می‌دونیم الان مثلا دانش آموز سال اول انگار مثلا پیش دبستانیه بحثای ارتباطی مشکل داره نشستن پشت سیستم یکی از معضلات اصلی فضای

مجازی اینه بچه‌ها به هر صورت رشدهای اجتماعی ندارن رشد رفتاری ندارن. یعنی شاید خیلی ارتباط ساده‌ای بین معلم و دانش‌آموز یا مربی دانش‌آموز که قبل کرونا میدیدیم الان باید بگیریم که مثلا باید اینطور رفتار داشته باشه».

د) چالش‌های سیستم تربیت معلم

معلمان خود آموزش دهندگان جامعه هستند اما غفلت از آموزش به معلمان و به روز نگه داشتن آنها نتایج زیان باری در بلند مدت خواهد داشت. معلمان از ابتدای ورود به سیستم آموزشی در دانشگاه فرهنگیان نحوه تدریس و محتوای آن را آموزش می‌بینند و پس از آن برای ورود به مدارس آموزش نیز می‌بینند و در حین خدمت در سیستم آموزشی هم به واسطه دوره‌های ضمن خدمت روش‌های نوین آموزش که می‌تواند دانش معلمان را به روز کند، دریافت میکنند تا از قافله آموزش عقب نمانند و بتوانند دانش‌آموزان را با توجه سبک‌های نوین آموزش و محتوای جدید جذب یادگیری کنند.

۱- ضعف شدید سیستم ضمن خدمت: سامانه ضمن خدمت سامانه‌ای است که وزارت آموزش و پرورش برای بروز نگه داشتن معلمان و ادامه آموزش آنها در راستای بهبود آموزش ایجاد کرده است. سیستم ضمن خدمت در گذشته و تا ابتدای دهه ۹۰ بیشتر به صورت حضوری بود و پس از آن به صورت سامانه اینترنتی درآمد در این خصوص مصاحبه شونده شماره ۱ مقایسه جالبی از این دو برهه ضمن خدمت ارائه داد و گفت: «آموزش معلم‌ها الان اینطوریه که سی‌چهار ساعته که می‌خوان رو میذارن توی سایت و هر معلمی می‌ره یا ده بیست سی‌چهار می‌کنه یا پول میده بقیه براش بزنن. ببینید ما به ارزش یابی داریم توی این ارزش یابی باید همه چهل ساعت ضمن خدمت بگذرونن قبلا ما می‌رفتیم سر کلاس حضوری می‌نشستیم و از معلم یاد می‌گرفتیم و امتحان حضوری می‌دادیم و نمره می‌گرفتیم اما الان این ساعت‌ها رو فیلمش رو گذاشتن توی سایت که سایتش هم باز همیشه آگه باز بشه هم اینترنت زیادی باید مصرف بکنی تا بتونی فیلم رو باز کنی پس نمی‌ارزه. به جای این پول میده به یه نفر دیگه که براش بزنه مثلا یه معلم برای صد نفر رو میزنه. اصلا معلم آموزش نمی‌بینه. آموزش پرورش کاملا رها شده چون بازرسی نداریم. قدیم مثلا ده سال پیش

داشتیم بازرسی به اون صورت نه اما چیزی که داشت این بود که ضمن خدمت های قوی بود استادانی قوی داشت اون استادان رفتن ضمن خدمت ها پاشیده شد بی سوادی رفت بالا».

۲- ضعف در استفاده از تکنولوژی های آموزشی: مصاحبه شونده شماره ۱۱ گفت: «یکی تولید محتوا یکی استفاده از فضای مجازی آموزش اینکه چطور میشه بچه ها رو تشویق کرد برای سر کلاس نشستن چطوری رصد کنیم بچه ها رو چه راهکاری برای سر کلاس اومدن داریم چه جوری میشه مچ دانش آموز رو گرفت جوری که اعتماد به نفسش رو پایین نیارین».

۳- بهره نگرستن از روش های نوین تدریس: در همین خصوص مصاحبه شونده شماره ۷ درباره عدم وجود متد واحد برای آموزش مجازی گفت: «یکی دیگه اینکه بعضی معلمان رها کرده بودند و بعضی از همکاران فرقی نکرده بود برایشون و همون تدریس حضوری رو وارد تدریس مجازی کرده بودند و بعضی از همکاران هم به طور کلی کتاب رو کنار گذاشته بودند و با یه وویس و یه کار عملی بچه ها رو سردرگم کرده بودند. به خاطر همین بعضی بچه ها از درس زده شدند بعضی ها از درست عقب موندن. این مشکلاتی بود که آموزش مجازی داشت». همچنین مصاحبه شونده شماره ۸ به نکته بسیار مهمی در این باره اشاره کرد و آن آموزش های اشتباه در دانشگاه فرهنگیان و مخالف با متدهای درست و اثبات شده بوده است. وی در این راستا گفت: «بعد جالب اینه که بچه هایی که الان از دانشگاه فرهنگیان میان بیرون وقتی میری توی عمق تدریسشون میبینی دارن اشتباه تدریس میکنن یعنی استادان دارن اشتباه تدریس میکنن و هیچکسی هم روشون نظارت نداره. این بچه ها تنها چیزی که بلده تولید محتواست. اما تدریسشون اشتباهه. مثلاً من قبل از عید داشتم توی راهرو راه میرفتم میدیدم اشتباه درس میدن مثلاً تفریق رو قرض گرفتن میگن در صورتی که این توی تدریس جدید اشتباهه چون ممکنه بگن قرض گرفتی باید پشش بدی. چون نظارتی نیست».

۴- عدم آموزش سبک زندگی متناسب آموزش مجازی به معلم: در این راستا مصاحبه شونده شماره ۷ گفت: «مجازی به نظر من بد نیست اما شرط داره شرطش اینه که آموزش بدیم ما اصلاً یاد ندادیم که معلم باید چه جوری زندگی کنه معلمای ما دوره آموزش حضوری اینطوری بودند که مثلاً از صبح از ۷ صبح میرفتن سر کلاس تا ساعت مثلاً نهایتاً ساعت ۳ بعد از ظهر تمام می شد

مدارس و معلمان میرفتن خونه بچه‌ها می‌رفتند تکلیف هارو بنویسن تا فردا دوباره بیان مدرسه برن سر کلاس.»

بحث و نتیجه گیری

با توجه به اینکه در حال حاضر رفته رفته آموزش مجازی پایان می‌پذیرد و آموزش حضوری در مدارس از سر گرفته می‌شود پژوهش حاضر با هدف احصاء چالش‌های معلمان در آموزش مجازی صورت گرفته است و این پژوهش حاصل مصاحبه با ۱۲ نفر از معلمان ابتدایی شهر تهران به صورت نیمه ساختار یافته است و تا سرحد اشباع نظری ادامه پیدا کرده است. در نتیجه تحلیل متن مصاحبه‌ها جمعاً ۴ مضمون اصلی و ۱۹ مضمون فرعی به دست آمد که شامل چالش‌های مادی و تکنولوژیکی (مشکل سرعت اینترنت، اختلال اینترنت، کمبود وسایل ارتباطی، ضعف سیستم احراز هویت، مشکلات سامانه شاد، لزوم وجود مکمل حضوری برای آموزش مجازی، ضعف مالی خانواده‌ها) چالش‌های حکمرانی آموزش (بخشنامه‌های سردرگم‌کننده، ایرادات ترکیب آموزش حضوری و مجازی، سیاست‌گذاری نامیشی و ضعف بازرسی اداره‌ها) چالش‌های ارکان نهان آموزش (کمبود سواد مدیر و معاونین مدارس، ضعف در آموزش خانواده‌ها، ضعف دانش آموزان در روش یادگیری و اختلال در بعد پرورشی) و چالش‌های سیستم تربیت معلم (ضعف شدید سیستم ضمن خدمت، ضعف در استفاده از تکنولوژی‌های آموزشی، بهره‌نگرفتن از روش‌های نوین تدریس و عدم آموزش سبک زندگی متناسب آموزش مجازی به معلم) می‌باشد. در مورد زیرمضمون اول و دوم مضمون اصلی امکانات مادی و زیرساخت، که مربوط به مشکلات اینترنت از جمله سرعت نامناسب و اختلال پایداری آن است جمال حاجی و همکاران در پژوهشی گفته‌اند که یکی از مشکلات شناسایی شده از نظر معلمان مشکلات مربوط به نبودن اینترنت با سرعت مناسب است (Haji et al., 2021). در مورد مضمون فرعی کمبود تجهیزات پژوهش‌های عباسی و همکاران (Abbasi et al., 2020) و محمدی و همکاران (Mohammadi et al., 2020) و البرزی و همکاران (Alborzi et al., 2021) نشان داده است که مهمترین مسئله آموزش مجازی هم برای معلمان و هم برای دانش‌آموزان داشتن گوشی و تبلت یا لپ‌تاپ مورد استفاده است. در تایید مضمون فرعی عدم وجود مکانیسم احراز هویت مناسب در آموزش مجازی پژوهش‌های بسیاری وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به پژوهش حاجی و همکاران (Haji

(et al., 2021) اشاره کرد که نبود نظارت دقیق و بروز پدیده تقلب را به عنوان یکی از ۱۴ زیر مضمون اصلی طبقه بندی کرده است. در تایید مشکلات و ضعف های زیاد سامانه شاد به عنوان مضمون فرعی شماره پنجم حاجی و همکاران (همان) به مشکلات زیرساختی سامانه شاد اشاره کردند و همچنین عباسی و همکاران (Abbasi et al., 2020) نیز به نتایج مشابهی دست پیدا کردند. در تایید مضمون فرعی نیاز مکمل حضوری برای آموزش مجازی عزیزی (Azizi & Hussainejad, 2021) نیز در پژوهش خود به این مسئله اشاره می کند که استفاده از روش های چندگانه برای آموزش دانش آموزان لازم است و اهمیت این مسأله در مناطق محروم دو چندان می شود. در تایید زیر مضمون ضعف مالی خانواده ها برای تامین امکانات لازم برای آموزش مجازی دانش آموزان میتوان به پژوهش البرزی و همکاران (Alborzi et al., 2021) اشاره کرد، آنها اذعان داشتند مشکلات اقتصادی در تهیه امکانات نقش عمده ای داشت.

همچنین مصیبی و همکاران (Mosibi et al., 2021) در پژوهش خود در حوزه مشکلات والدین به مسئله هزینه مضاعف تحمیلی بر خانواده ها برای تهیه سخت افزار مناسب خصوصاً در خانواده های دارای چند فرزند اشاره کرده است که این یافته با صرفه جویی در هزینه در آموزش مجازی که در پژوهش کلارک (Clark, 2020) نتیجه گیری شده است در تضاد است. یکی از نتایج پژوهش حاضر ضعف سیستم بازرسی وزارت آموزش و پرورش است که اثرات منفی بر نحوه تدریس معلمان و یادگیری دانش آموزان گذاشته است در همین راستا حاجی و همکاران (Haji et al., 2021) اشاره کردند که نظارت بیهوده ای از طرف افراد غیر متخصص در فضای مجازی بر کلاس ها می شود که هدف این نظارت ها راهنمایی و پیشرفت معلمان نیست و همچنین اشاره کرده است که این نوع نظارت از طریق افراد غیر حرفه ای و صرفاً جهت تفتیش کار معلم و نقد او انجام می گیرد. لزوم آموزش به خانواده ها عنوان یکی از طرف های درگیر در آموزش مجازی یکی دیگر از نتایج این تحقیق است که در همین راستا حاجی و همکاران (Haji et al., 2021) و محمدی و همکاران (Mohammadi et al., 2020) یکی از چالش های اصلی آموزش مجازی در دوران کرونا را عدم همکاری مناسب والدین عنوان کردند اما به لزوم آموزش به خانواده ها اشاره نکرده اند. در مورد مغفول ماندن بعد پرورشی و اختلال در روابط اجتماعی دانش آموزان در تایید پژوهش حاضر میهال (Mehall, 2020) نیز معتقد است مشکلات ارتباطی و اجتماعی مزید بر مشکلات آموزشی و تدریس در آموزش مجازی است. یکی دیگر از مشکلات

معلمان ضعف سیستم ضمن خدمت وزارت آموزش و پرورش است که در قالب مضمون فرعی اول از مضمون اصلی لزوم آموزش معلمان طبقه بندی شده است در همین راستا حاجی و همکاران (Haji et al., 2021) نیز ذیل مضمون اصلی مشکلات معلمان در حیطه سازمان کرده‌اند سازمان آموزش و پرورش در جهت دانش افزایی و به روز کردن دانش و مهارت معلمان تلاش چندانی نمی‌کند و دوره های برگزار شده برای معلمان نیز تاثیر چندانی مثبتی ندارد همچنین رئوفی و همکاران (Raufi, 2005) در مطالعات خود نشان دادند سازمان های آموزشی برای عقب نماندن از تغییراتی که در جامعه رخ می دهد باید اطلاعات و دانش کارکنان شان را به صورت مداوم از طریق دوره های ضمن خدمت کارآمد به روز نمایند. یکی دیگر از مضامین فرعی تحت عنوان ضعف ها در آموزش به معلمان شناسایی شد عدم آشنایی معلمان با تکنولوژی های نوین بود که در همین راستا مصیبی و (Mosibi et al., 2021) اظهار داشتند که وقتی معلمان تجربه لازم برای آموزش مجازی را ندارند کیفیت آموزش افت پیدا میکند و نا آشنایی معلمان با تکنولوژی ها و اقتضانات فضای مجازی یکی از مشکلاتی بود که بیشتر متوجه معلمان با سابقه شد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر و مشکلاتی که بر اساس مصاحبه در مورد آموزش مجازی شناسایی شد، پیشنهاداتی در این راستا به تمام ذی نفعان در گیر در آموزش مجازی ارائه می شود که این توصیه ها و پیشنهادات عبارتند از:

- برگزاری دوره های آموزشی برای والدین و ارائه محتوا به صورت مجازی به آن ها
- تقویت سیستم ضمن خدمت و باز طراحی آن با ورود اساتید با تجربه و دارای اندیشه قوی
- تقویت سیستم تربیت معلم در جهت بهبود کیفیت آموزش مجازی
- بهبود زیرساخت های سیستم شادم انسانی و مطالعات فرهنگی

References

- Abbasi, f., Hejazi, E., & Hakimzade, R. (2020). The lived experience of primary school teachers about the opportunities and challenges of teaching in the student education network (Shad): A phenomenological study. Education research, 20-40.

- Ainley, M., & Armatas, C. (2006). Motivational perspectives on students' responses to learning in virtual learning environments. In *The international handbook of virtual learning environments*, 365-394.
- Alborzi, m., Mohammadi, m., mir ghaffari, f., safari, m., & naseri jahromi, r. (2021). Elementary school teachers' experiences of the challenges of changing traditional education to virtual education during the coronavirus outbreak. *Journal of Teaching and Learning Studies*, 1-19.
- Azizi, Z., & Hussainnejad mamarababdi, H. (2021). Opportunities and Threats of Virtual Education in the Corona Pandemic: A Phenomenological Study. *Information and communication technology in educational sciences*, 153-171.
- Clark, J. T. (2020). Distance education. In *Clinical Engineering Handbook*. Academic press, 410-415.
- Ghotbi, B., Ghobadi, S., Kahrizi, N., Shahsavari, z., & navkhasi, s. (2020). A review of the new coronavirus. *Journal of Health Research*, 180-187.
- Haji, J., Mohammadi mehr, M., & Mohammad azar, H. (2021). Representing the Problems of Cyberspace Education Using the Fun Program in the Corona Pandemic: A Phenomenological Study. *Information and communication technology in educational sciences*, 153-174.
- Huber, S. G., & Helm, C. (2020). COVID-19 and schooling: evaluation, assessment and accountability in times of crises—reacting quickly to explore key issues for policy, practice and research with the school barometer. *Educational Assessment, Evaluation and Accountability*, 237-270.
- Jabbari, K., Ahmadzade, ahmadzade, r., & hamrazhade, m. (2017). Comparison of the effect of e-learning with traditional methods on students' English language learning skills. *Quarterly Journal of Information and Communication Technology in Educational Sciences*, 127-143.
- malmir, A., Esmaeili, A., & Madadi, V. (2018). Investigating the effect of educational media use on academic achievement and students' creativity. *Journal of Management Training of Organizations*, 185-201.
- Mehall, S. (2020). Purposeful Interpersonal Interaction in Online Learning: What is it and how is it measured? *Online Learning Journal*, 181-203.
- mohammdi, m., keshavarzi, f., naseri jahromi, r., hesampour, r., mirghaffari, f., & ebrahimi, s. (2020). Analyzing the experiences of parents of primary school students of the challenges of e-learning with. *Educational research*, 74-101.
- Mosibi ardekani, m., rezapour mirsaleh, y., & behjati ardekani, f. (1400). Problems and Challenges of Virtual Learning in the Elementary School of Coronavirus Outbreaks. *Journal of Educational Research*, 65-80.
- Raufi, M. H. (2005). The effect of in-service training on the efficiency and productivity of school principals and staff. *Educational and psychological studies*.
- Fauzi, I., & Khusuma, I. (2020). Teachers' Elementary School in Online Learning of COVID-19 Pandemic Condition. *Jurnal Iqra' : Kajian Ilmu Pendidikan*, 7-58.
- Fischer, C. D. (2005). *Qualitative research methods for psychologists: Introduction through empirical studies*. Academic Press.
- Gadam Puor, E., Kamkar, P., Ground, H., & Jamshidi Kia, S. (2014). Relationship between self-regulatory learning strategies and tendency to critical thinking with students' readiness to attend e-learning courses. *Journal*

of Information and Communication Technology in Educational Sciences, 21-41.

Rasmitadila, R. R., Rachmadtullah, R., Samsudin, A., Syaodih, E., Nurtanto, M., & Tambunan, A. (2020). The perceptions of primary school teachers of online learning during the COVID-19 pandemic period: A case study in Indonesia. *Journal of Ethnic and Cultural Studies*, 90-109.

Sargazi, N., Abarvan, M. J., Askari, M., & Khoshkhah, R. (2020). Corona and the Challenges of Education in Iran. *Second Conference on Psychology. Educational Sciences, Social Sciences and Counseling*.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی